

دو فصلنامه فلسفی شناخت، «ص ۹۵-۱۱۰»

پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۶۴/۱

بهار و تابستان ۱۳۹۰. Knowledge, No.64/1.

## نظریه حکیم سبزواری درباره نسبت وجود رابط و محمولی (مستقل)

غلامحسین عمادزاده\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۴

### چکیده

از مباحثی که میدان نزاع فلسفی را برای شارحان و مفسران حکمت متعالیه فراهم آورده و به تعارض آرای آنها انجامیده است، تبیین اختلاف و تفاوت بین وجود رابط و محمولی است. اگرچه این اختلاف نظرها، از عقلانیت فلسفی بسیاری از این شارحان حکایت می-کند و افق خردورزی این متفکران را آشکار می-نماید، ولی همچنین بستری را برای کشف نگرش آنها به عناصر محوری حکمت متعالیه مهیا می-سازد. حکیم سبزواری از شارحان حکمت صدرایی است که با تعلیقه‌های خود بر اسفار و تأیید و تشریح مبانی این حکمت در کتاب‌هایش ابهام را از دامن بسیاری از مسائل این حکمت می زداید، ولی در این موضوع، نظریه‌ای مخالف با صدرا اتخاذ می-کند. این مقاله در پی بررسی دغدغه-های وی در اظهار دیدگاه متفاوت با صدرالمتألهین در مسأله وجود رابط و محمولی است که تحلیل نکات فلسفی و پی‌گیری موضع‌گیری‌های وی در این بحث، طرح بعضی از نظریه‌های رقیب و منتقد وی را غیر قابل اجتناب می نماید.

**واژگان کلیدی:** وجود رابط، وجود محمولی، حکمت متعالیه، حکیم سبزواری.

\* - عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، آدرس الکترونیک: gh.emadzadeh@yahoo.com

## مقدمه:

صدر المتألهین در مباحث وجود اسفار (جلد اول) دو فصل مستقل را با عنوان «فی الوجود الرباطی<sup>۱</sup>» و «فی تحقیق الوجود بالمعنی الرباطی<sup>۲</sup>» اختصاص می‌دهد. علامه طباطبائی در حاشیه خود، به اهمیت بحث وجود رباط تاکید می‌ورزد و می‌گوید:

«هذا أصلٌ نافعٌ مثمرٌ فی مباحث التشکیک و مساله علم الواجب و غیرذلک فلا تغفل عنه<sup>۳</sup>»

در تشریح کلام ایشان باید توضیح داد که وجود رباط در بسیاری از مباحث فلسفی در حکمت متعالیه مانند برهان صدیقین، مواد ثلث، امکان فقری، اصل علیت، احکام ماهیت، جعل، ربط حادث به قدیم نقش آفرین است و همانطور که یکی از اندیشمندان معاصر مطرح نموده، علی‌رغم کوشش‌هایی که حکمای اسلامی تاکنون درباره روشن ساختن تفاوت بین وجود رباط و رباطی بعمل آورده‌اند، هنوز می‌توان گفت ناگفته‌های بسیاری در این باب باقی مانده است.<sup>۴</sup>

صدرا در بحث اولی که تحت عنوان «الوجودالرباطی» را آشکار می‌نماید، در پی آن است که این دو اصطلاح را از هم جدا کند تا به جعل اصطلاح دقیق «وجود رباط» برسد، زیرا دو اصطلاح «رباط» و «رباطی» در کلمات حکمای قبل از میرداماد بطور دقیق از هم متمایز نگشته‌اند. وی وجود رباط را که نقش وی فقط رباط بین موضوع و محمول می‌باشد و از استقلال مفهومی برخوردار نیست بلکه دارای معنای حرفی است، در مقابل وجودی قرار می‌دهد که از استقلال مفهومی برخوردار و شایستگی محمول شدن در قضیه را دارد، که این مفهوم شامل وجود ناعتی و رباطی اعراض هم می‌گردد.

<sup>۱</sup> - صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۹-۸۲

<sup>۲</sup> - همان: ۳۲۷-۳۳۰

<sup>۳</sup> - طباطبائی، تعلیقه اسفار: ۳۲۷

<sup>۴</sup> - دینانی ۱۳۸۳: ۲۲۸

«والحاصل أن الوجود الرباطی بالمعنى الاول مفهوم تعلقی لا يمكن تعقلها على الاستقلال و هو من المعانى الحرفیه.»<sup>۱</sup>

در اصطلاح منطقی قضایای که در آنها هستی مستقلاً در محمول قرار بگیرد، قضایای ثانیه نامیده می‌شود و از این هستی با هلیت بسیطه مفاد کان تامه تعبیر می‌نماید، مانند جسم طبیعی هست. گرمی یا سردی هست.

ولی وقتی که هستی فقط تعلق و وابستگی میان موضوع و محمول و ثبوت محمول برای موضوع را نشان دهد مفاد هلیت مرکبه و کان ناقصه را تشکیل می‌دهد و در فارسی به وسیله «است» نشان داده می‌شود مانند، زمین متحرک است.

ولی حکمت متعالیه مفاد هلیت مرکبه را فراتر از صدق دو مفهوم بر یک مصداق می‌گیرد بلکه ثبوت شیئی را مستلزم نوعی سیروت و اتّصاف یا گونه‌ای از شدن تلقی می‌نماید<sup>۲</sup> سبزواری در این باره چنین می‌گوید:

«اذ لا یكون مفاد الهلیه المركبه، صدق علیه هذا صدق علیه ذاک كما توهمه بعض من لاخبره لامن اهل الکلام. بل مفادها ثبوت شیئی لشیئی كما یقول به المحققون.»<sup>۳</sup>

البته پیشینه این بحث در تاریخ فلسفه اسلامی و ابتکار فارابی در وارد کردن این موضوع به مباحث منطقی و سپس فلسفی خود بحث مفصلی است که خارج از موضوع این مقاله است. صدرا در اسفار بحث را با بیان اصطلاحات در وجود رباطی آغاز می‌کند:

«اطلاق الوجود الرباطی فی صناعاتهم یكون على معین.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸: ۸۲

<sup>۲</sup> - دینانی ۱۳۸۳: ۲۳۰

<sup>۳</sup> - سبزواری، تعلیقه بر اسفار، ج ۱: ۳۲۸

<sup>۴</sup> - ، صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۸

ولی به ماوراء اصطلاحات حرکت می‌کند و هدف مهم و اساسی که در این بحث دنبال می‌نماید آن است که نسبت بین وجود رابط و محمولی را در فلسفه مشخص و تکلیف هستی آنها را روشن نماید. دیگران اختلاف کرده‌اند: آیا نوع وجود رابط و محمولی متفاوت است یا نه و اختلاف دیگری که مطرح شده آن است که آیا وجود رابط در قضایای هلیات بسیطه قرار می‌گیرند یا نه؟

صدرا می‌گوید حق آن است که وجود رابط اختلاف نوعی با وجود محمولی و نفسی دارد و در هلیات بسیطه موجود نیست، بلکه فقط در هلیات مرکبه آن هم در موجه آن تحقق پیدا می‌کند.<sup>۱</sup>

او در آغاز بحث اختلاف نوعی وجود رابط و محمولی را منافی با اتفاق و اشتراک در وجود نمی‌داند، زیرا اختلاف نوعی وجود محمولی و رابط، به معانی ذاتیه و منشأ انتزاع آنها برمی‌گردد، چون وجود رابط وجود شیئی نیست، بلکه رابطه میان دو شیئی است و واقعیتش جز در وابستگی به غیر آن هم وابستگی به دو غیر که طرفین آن می‌باشد، محقق نمی‌شود، پس وجود رابط غیر از وجود محمولی است که منشأ انتزاع حقیقی دارد.

### نظریات سبزواری:

حاج ملاهادی سبزواری که با حاشیه‌های خود بر اسفار در نهایت ظرافت و دقت، به روشنگری و توضیح عناصر محوری و زوایای حکمت متعالیه مبادرت می‌ورزد، اولین موضع‌گیری خود را در این موضوع آغاز می‌کند. وی کاربرد واژه «نوع» را در ساحت مفهومی وجود مناسب نمی‌داند، زیرا نوع کلیت ماهوی را نمایش می‌دهد و وجود مانند ماهیات دارای مرزهای بسته‌ای در ذهن و خارج نیست که فقط تباین و تخالف در آن قابل مشاهده باشد. به نظر وی واژه‌ای که از اتفاق حکایت می‌کند و از طرفی تفاوت و تخالف را هم نشان دهد و با ساحت وجود و الگوی تشکیکی

<sup>۱</sup> - شیرازی ۱۳۷۸، ج ۱: ۷۸-۷۹

آن همخوانی داشته باشد، «سنخ» است: «ای الاتفاق بحسب السنخ اذلانوع للوجود و لیس کلیاً.<sup>۱</sup>»

مسأله قابل توجه آن است که صدرا حتی به اختلاف نوعی بین وجود محمولی و رابط بسنده نمی‌کند و پا را از آن فراتر می‌نهد و اختلاف بین وجود محمولی و رابط را به بیگانگی کامل بین این دو می‌کشد که فقط اشتراک آنها را در لفظ وجود باید جستجو کرد: «علی أن الحق أن الاتفاق بینهما فی مجرد اللفظ.<sup>۲</sup>»

از آنجا که عبارت فوق یک تخصیص برای اشتراک معنوی و یک معنایی وجود تلقی شده شارحان حکمت متعالیه را به موضع گیریهای مختلف در تبیین این نظریه کشانده و بسیاری از آنها را به مسأله اندیشی و ژرفکاری واداشته است.

سبزواری این نظریه را تخصیصی برای اشتراک معنوی و تک معنایی وجود تلقی کرده است، لذا در مقابل نظریه صدرا موضع منفی می‌گیرد:

«لعل مراده انه لو كان بینهما غایه التباعد كاد أن يكون المشترك اللفظی كافی نظیره فی اتصاف الماهیه بالوجود و الا كان خلاف التحقیق الذی عنده.<sup>۳</sup>»

وی گرچه نهایت فاصله بین وجود نفسی و رابط را می‌پذیرد، به عقیده وی می‌توانیم این فاصله را آن‌چنان بدانیم که مانند اشتراک لفظی باشد، ولی تصریح و تأکید می‌نماید که نمی‌توانیم به اشتراک لفظی این دو مفهوم از وجود رأی دهیم، زیرا رأی به اشتراک لفظی وجود رابط و محمولی، ره آورد صدرا در بسیاری از مباحث وجود را به چالش می‌کشد و دغدغه و نگرانی سبزواری از این چالش‌ها به شرح ذیل است:

۱- به نظر سبزواری اشتراک معنوی و تک معنایی وجود از مبادی تصدیقیه مسائل فلسفه در حکمت متعالیه است؛ «وهذه المساله ایضاً من امهات مسائل

<sup>۱</sup> - سبزواری، تعلیقه براسفار، ج: ۱، ۸۰

<sup>۲</sup> - صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸، ج: ۱، ۷۹

<sup>۳</sup> - سبزواری ۱۳۷۸، ج: ۱، ۸۰

الحکمیة.<sup>۱</sup> « صدرا هم در ابتدای ورود مباحث وجود در اسفار آنرا قریب به بدیهیات می‌داند.<sup>۲</sup>

۲- یکی از ادله صدرا برای تک معنایی وجود همین رابطه است؛

«و ایضاً الرابطة فی القضايا و الاحکام ضرب من الوجود و هی فی جمیع الاحکام مع الاختلاف فی الموضوعات و المحمولات معنی واحد.»<sup>۳</sup>

رابطه در قضایا و احکام، نوعی از وجود است و آن در تمام احکام علی‌رغم اختلافشان در موضوعات و محمول‌ها دارای یک معنا می‌باشد تا مناسبت و سنخیتی بین این دو نوع برقرار نباشد. نمی‌توان از سرنوشت یکی به دیگری پی برد.

۳- یکی از دلایل و براهینی که صدرا را بر اصالت وجود در کتاب مشاعر مطرح می‌نماید، مسأله حمل است.<sup>۴</sup> وی در شاهد سوم می‌گوید اگر وجود را حقیقتی نباشد و موجودیت اشیا به نفس ماهیات باشد و حیثیت اتحادیه وجود به میان نیاید، چطور دو مفهوم و دو ماهیت متغایر متحد می‌گردند. پس ملاک حمل شایع اتحاد در وجود می‌باشد و اگر وجود اصیل نباشد، حمل محقق نخواهد شد، عدم تحقق حمل، باطل است. پس اصیل نبودن وجود نیز باطل می‌باشد.<sup>۵</sup>

سبزواری نیز در منظومه از برهان حمل برای اثبات اصالت وجود استفاده می-

نماید؛

<sup>۱</sup>-سبزواری ۱۳۶۷: ۱۰۰

<sup>۲</sup>- صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸ج: ۱: ۳۵

<sup>۳</sup>- همان: ۳۶

<sup>۴</sup>- جوادی آملی ۱۳۸۶ ج: ۱: ۳۲۲

<sup>۵</sup>- صدرالدین شیرازی المشاعر: ۱۳.

«لولم یؤصل وحده ماحصلت و اذا لم یحصل الوحده لم یحصل الاتحاد الذی هو الهوهویه و جعلنا مفاد البیت الاول عدم حصول الوحده و عدم انعقاد الحمل فی ماهیات الموضوعات و المحمولات.»<sup>۱</sup>

اگر وجود اعتباری باشد و اصیل نباشد، نباید در عالم وحدت پیدا شود و اگر وحدت نباشد، اتحاد هم بر قرار نمی‌گردد، زیرا اتحاد همان هو هویت است و هو هویت هم مدیون حمل است. لذا در حمل های شایع صنایع تغایر و تباین موضوع و محمول از ناحیه مفاهیم و ماهیات است و اتحاد و اشتراک از ناحیه وجود تأمین می‌گردد، آیا حمل جز به وسیله وجود رابط تحقق می‌پذیرد؟ زیرا فقط در هلیات بسیطه است که بی نیاز از وجود رابط در حمل می‌شویم و در بقیه قضایا نیاز به وجود رابط داریم. از طرف دیگر نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که وجود رابط عین تعلق و وابستگی است و چنانچه این ویژگی را از دست دهد و به عنوان یک هستی مستقل مورد توجه و التفات قرار گیرد، رابطه بودن خود را از دست می‌دهد و به تعبیر دیگر چنانچه در ذهن به هر عنوانی وجود رابط را مستقلاً رصد نماییم، آن را از رابطه بودن خلع نموده و معدوم کرده‌ایم.<sup>۲</sup>

لذا می‌بینیم بسیاری از شارحان و صاحب نظران در حکمت متعالیه از این نظریه صدرا در اشتراک لفظی وجود محمولی و رابط دفاع کرده‌اند. مرحوم آقاعلی حکیم مدرس که در بسیاری از مسائل فلسفی موضع مستقلی در مقابل نظریات صدرا می‌گیرد، از این نظریه وی دفاع می‌نماید و در رساله وجود رابط خود اختلاف وجود محمولی و رابط را در ضمن چهار مورد تبیین فلسفی می‌نماید که عبارتند از:

۱- اختلاف مفهومی وجود رابط و محمولی ۲- غیریت مصداقی آنها ۳- تباین مفهومی وجود محمولی با مصداقی وجود رابط ۴- تغایر مصداقی وجود محمولی با مفهومی وجود رابط. در همه موارد چهار گانه فوق وجود رابط و محمولی را با

۱- همان: ۸

۲- حایری یزدی ۱۳۸۴: ۱۸۹

یکدیگر بیگانه و مختلف بشمار می‌آورد و می‌گوید: «و الحق فی جمیعها الاختلاف» و به این نتیجه می‌رسد که:

«فقد بان اطلاق الوجود علی حقیقه الوجود الربطی و حقیقه الوجود المحمولی لیس الا باشتراك فی مجردا للفظ.»<sup>۱</sup>

آقاعلی حکیم در عین حالی که به اشتراک لفظی وجود قائل می‌شود، ولی به محال بودن انقلاب معنای حرفی به معنای اسمی و محمولی، مناقشاتی وارد می‌کند.

جمع شدن لحاظ آلی و استقلال را در معنای اسمی و حرفی با مناقشات خود تأیید می‌نماید. ولی سبزواری محال بودن این انقلاب را می‌پذیرد و برای وجود رابط، ماهیتی جامع بین معنای اسمی و حرفی مطرح می‌کند که نظیر ماده مشترک دو خصوصیت استقلال و ربط را می‌پذیرد، همانطور که یک ماهیت می‌تواند به وجودهای مختلف ذهنی و خارجی موجود شود، ولی از طرفی ماهیت را چون صورتی نسبت به ماده می‌داند، همان گونه که وقتی ماده‌ای صورتی دارد، باید آن را رها کند تا صورت دیگری را قبول نماید. به عقیده حکیم سبزواری ماده مشترک نسبت به وجود محمولی و رابط همین حکم را دارد:

«و الفرق بین ما ذکرناه و ما ذکره قد ان الوجود الغيرالمستقل الذی کالمعنی الحرفی فیما ذکره کالماده و فیما ذکرناه هو کالصوره الزائله عن الماده و الماهیه المحفوظه.»<sup>۲</sup>

بر همین اساس، لحاظ استقلال معنای حرفی را یک انقلاب محال می‌داند، «و هذا هو الانقلاب المستحیل.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - مدرس طهرانی ۱۳۷۸، ج ۲: ۲-۱۷۱

<sup>۲</sup> - سبزواری، تعلیقه بر اسفار، ج ۱: ۱۴۳

<sup>۳</sup> - همان: ۱۴۳



ولی صدرا این انقلاب را غیر محال می‌داند: «و هذا انقلاب غیر مستحیل لانه کالانقلاب ماده الی الصوره و الجنس الی الفصل و القوه الی الفعل.»<sup>۱</sup> زیرا به عقیده صدرا نسبت و ربط تا مادامی که ربط است، شیئی نیست. بنابراین اگر معنای ربطی به معنای محمولی و استقلالی تبدیل گردد، نباید گمان کرد یک ذات به ذات دیگری تغییر هویت داده است، بلکه یک امر غیر متعین و غیر متحصّل تعین و تحصیل پیدا کرده و این دگرگونی در نظر صدرا از نوع انقلاب ناقص به تام، قوه به فعل و استکمال می‌باشد، زیرا صدرا می‌گوید «فان الرابطة لا ذات لها اصلا کالمرآة التي لالون لها و لاحقیقتا اصلاً»<sup>۲</sup> آینه ای است که هویت او را فقط نشان دادن دیگری تشکیل می‌دهد و بر همین نگرش جایی برای خود نمایی و عرض اندام ندارد. پس هویت او فانی در طرفین رابطه است. لذا بعضی از شارحان معاصر حکمت متعالیه را عقیده بر این است که معنای حرفیه دارای ماهیت نمی‌باشند، چون ماهیت باید در جواب ما هو واقع شود و طرف قضیه قرار بگیرد.<sup>۳</sup>

سبزواری یک ماهیت جامعی نسبت به دو معنای حرفی و اسمی طرح می‌نماید که نظیر ماده مشترک دو خصوصیت استقلال و ربط را بپذیرد، زیرا از یک طرف نمی‌خواهد رابطه را از وجود محمولی و مستقل جدا کند و معنایی در مقابل وجود محمولی برای او قائل شود، چون تک معنایی وجود آسیب می‌بیند و از طرفی معنای حرفی نمی‌تواند ماهیت مستقل در ذهن برای خود ثبت نماید وی در جای دیگر تعلیقه اسفار می‌گوید:

«والاولی ان یقال کلامه فی تخالف المفهومین بما هما مفهومان و بما هما کالما هیتین لذینک الوجودین الرابط و المحمول.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - صدر الدین شیرازی ۱۳۷۸ ج ۱: ۱۴۳

<sup>۲</sup> - همان: ۱۴۳

<sup>۳</sup> - جوادی آملی ۱۳۸۶ ج ۱: ۳۹۰

<sup>۴</sup> - سبزواری، تعلیقه اسفار، ج ۸: ۱۰۸

GH.Emadzadeh

وی از کاف تشبیه برای ماهیت دوگانه وجود رابط و محمولی استفاده می‌کند تا بفهماند در واقع برای وجود رابط، نمی‌توان ماهیت دقیق فلسفی فرض کرد. از این رو وی علی‌رغم نظر استادش ملاعلی نوری و حکیم متأخر وی آقا علی حکیم مدرس که برای وجود رابط ماهیت اضافه را قائل می‌شوند و آن را در زمره معقولات ثانیه به حساب می‌آورند، در هیچ یک از کتابهایش وجود رابط را مندرج در تحت مقوله اضافه ندانسته و اضافه‌ای که یکی از مقولات دهگانه را تشکیل می‌دهد واجد تکرر نسبت می‌داند؛ «ان النسبه تکون لطرف واحد والاضافه تکون لطرفین»<sup>۱</sup>

سبزواری همچنین اضافه مقولیه را غیر از مقوله اضافه می‌داند. وی هويت وجود رابط را در صحنه مفهومی وجود جستجو می‌کند، زیرا اگر بین رابط و محمولی بیگانگی کامل برقرار نمودیم و وجود رابط را از پیکره مفهومی وجود جدا کردیم و فقط اشتراک آنها را در لفظ قائل شدیم، همانطور که بعضی از شارحان بعد از سبزواری، چون هیدجی به این نتیجه رسیده‌اند، دیگر وجود رابط چیزی نخواهد بود؛

«فان الوجود الرابط حين كونه رابطا لم يكن بهذا الاعتبار وجودا و لاشياء من الاشياء»<sup>۲</sup>

در نتیجه وجود رابط از صحنه مفهومی هستی حذف خواهد شد و با خروج وجود رابط از دایره هستی یکی از مهمترین ساحت‌های شناخت را از احکام وجود جدا نموده‌ایم و این مهمترین دغدغه و نگرانی سبزواری را تشکیل می‌دهد، زیرا سبزواری اگرچه یک فیلسوف اصالت وجودی است، ولی دغدغه‌های معرفتی در تفکر او مشهود و ملموس است. مگر غیر از این است که در حکمت متعالیه هر گزاره شناخت‌شناسانه باید تضمین وجودی داشته باشد. به نظر وی نه تنها بسیاری از مباحث معرفتی بر ستون وجود رابط استوار است، بلکه سلسله جنبان تفکر که معقولات ثانیه فلسفی و منطقی است، از وجود رابط تغذیه می‌کند و با جدا کردن

<sup>۱</sup> - سبزواری، شرح منظومه: ۱۳۹

<sup>۲</sup> - هیدجی، اسفار، ج: ۱، ۷۹

وجود رابط از مفهوم وجود و با بی اعتبار کردن رابط در صحنه هستی، یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های شناخت بی‌اعتبار می‌شود و سبزواری در راستای این نگرانی در حذف وجود رابط از ساحت وجود به کلمات صدرا استناد می‌کند و این استناد را تأییدی بر تثبیت نظریه‌اش به حساب می‌آورد:

«قال و لهذا يدفع عار عظیم عن الحکما فی بحثهم عن المعقولات الثانویه و الاعراض و النسبیه مع ان شانهم البحث عن الاعیان الموجوده فهو یقول وجود الروابط و الاضافه ینجو النسبیه و ان لم یوجد بنحو الطرفیه.»<sup>۱</sup>

سبزواری جدا کردن وجود رابط از معنای محمولی و استقلال وجود را آسیب به مباحث معرفتی اصالت وجود تلقی می‌نماید. به عقیده وی تنزل و انحطاط وجود رابط و حتی همسایگی او با عدم او را از مدار هستی خارج نمی‌کند و صرفاً حاشیه نشینی لفظی برای او ایجاد نمی‌نماید، بلکه الگوی تشکیکی وجود این توانایی را دارد که وجود رابط را با تمام نقصو ضعفش فراگیرد.

«و قد حقق فی هذا السفر أن الانتزاعیات و الاضافات و اعدام الملکات لها حظوظ من الوجود»<sup>۲</sup>

او می‌گوید به همان ملاکی که انتزاعیات و اضافات و اعدام ملکات بهره‌ای از وجود دارند، وجود رابط هم بهره‌ای از وجود پیدا می‌کند، مگر غیر از این است که انتزاعیات در فلسفه اعتباریات نفس‌الامریه است، اعتباریاتی است که ظرف تحققش ذهنی است نه اینکه ساخته و پرداخته ذهن باشد. اضافات هم به همین شکل، نزدیکی و دوری یک جعل ذهنی نیست، بلکه قابل محاسبه خارجی است، عدم ملکه عدم محض نیست، عدمی است که نسبت به یک امر وجودی پیدا می‌کند و وجود بغیره آن خالی از تحقق عینی نیست، گرچه اینها واقعیات انضمامی نیستند، ولی واقعیت آنها با واقعیت موصوف و منشأ اتصاف آنها گره خورده است.

<sup>۱</sup> - سبزواری، تعلیقه بر اسفار، ج ۱: ۸۰

<sup>۲</sup> - همان: ۸۰

GH.Emadzadeh

«بل لولم یکن هذا الوجود الرباطی الا فی الذهن لکفی اذا الوجود سنخ واحد وان کان ذهنا او خارجیا»<sup>۱</sup>

سبزواری می‌گوید اگر وجود رباط فقط در عرصه ذهن ظاهر گردد کفایت می‌نماید و این نشانگر آن است که نفوذ او یک نفوذ بیگانه و مابین با هستی مستقل نیست. درست است که ذهن و عین دو وجود ممتاز و توانایی ورود وجودی در قلمرو دیگری را ندارند، ولی شکل‌گیری وجود رباط در ذهن از ظهور واقعیت آن در ظرف ذهن حکایت می‌کند و وجود در ذهن هم بخشی از واقعیت و از سنخ هستی است و سایه‌ای ضعیف از واقعیت عینی و وجود خارجی را نمایش می‌دهد. حتی اگر وجود رباط در میان موجودات ذهنی به پایین‌ترین مرتبه نزول کرده باشد و در همسایگی عدم قرار گیرد، باز اتحاد سنخی خود را با وجود محمولی از دست نخواهد داد.

وی در راستای استدلال‌های خود برای وجود رباط، از طریق ملاک قراردادن وجود رباط در صدق و کذب قضایای حملیه آن را اثبات می‌نماید:

«کیف و لولم یکن موجوده بهذا النحو لم یکن فرق بین القضايا الصادقه و الکاذبه»<sup>۲</sup>

بر این استدلال وی اشکال وارد شده که قضایای دارای هلیت بسیطه با اینکه وجود رباط ندارند ولی در عین حال دارای صدق و کذب می‌باشند. ولی اگر مقصود او را به قضایایی که دارای هلیات مرکبه است منصرف نماییم و با ضمیمه کردن نظریات او در بحث قضایا و مباحث دیگر مثل «و العقد و القضیه ترادفا اذ ارتباطا و اعتقادا صدقا»<sup>۳</sup>، این واقعیت را استنباط می‌نماییم که وی وجود رباط را فراتر از نسبت حکمیه می‌داند، زیرا در حمل شایع صناعی که قسمت مهمی از قضایای هلیات مرکبه را تشکیل می‌دهد وقتی قضایای موجه شکل می‌گیرد که به تحقق

<sup>۱</sup> - همان: ۸۰

<sup>۲</sup> - همان: ۸۰

<sup>۳</sup> - سبزواری ۱۳۷۶: ۳۵

آن خارج از ظرف عقد قضیه اذعان نماییم به وجودی احتیاج داریم که توسط آن چنین اتحادی صورت گیرد چون مفاد حمل اتحاد در وجود است و این اتحاد بوسیله وجود رابط تأمین می‌گردد. گرچه نظریات سبزواری در این میدان مانند نظریات و کلمات آقاعلی حکیم منقح نیست، ولی می‌توان نظریات مطرح شده و غیر منظم او را در این مباحث بستری برای طرح دقیق نظریات آقا علی حکیم تلقی کرد در عین حالی که اختلاف و تفاوت را در نتایج آنها شاهد باشیم، چنانچه مشاهده می‌نماییم که آقاعلی حکیم مدرس دیدگاه سبزواری را به نقد و چالش می‌کشاند و می‌گوید:

«و علیک بالتامل فیه بعد تذکر ما اسلفناه لک معتکفا فی مسجد الانصاف منحرفا عن طریق الاعتساف.»<sup>۱</sup>

اما مطلبی که نمی‌توان از طرح آن صرف نظر کرد، نسبت وجود رابط در قضایا با رابط در مباحث مصداقی وجود و مبحث علیت است. می‌دانیم که یکی از ره آوردهای حکمت متعالیه، دیدگاه صدرا نسبت بوجود رابط است. صدر المتألهین نظریه رابط بودن مجموعه ممکنات نسبت به ذات حق را به خود نسبت داده و این بحث را در ساحت مباحث مصداقی وجود و علت و معلول طرح می‌نماید و تمام ممکنات و معلولها را نسبت به علت حقه حقیقیه حق بوجود ربطی می‌کشاند.

«ان وجودات جمیع الممكنات فی فلسفتنا من قبل الروابط لوجودالحق تعالی.»<sup>۲</sup>

زیرا با تکیه بر اصالت وجود و تحلیل اصل علیت تمام معلولها نسبت به حق متعال جز بستگی و قیام و ربط به علت را نشان نمی‌دهد و ممکنات از استقلال قیام و مرتبط بودن خلع می‌شوند.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> - مدرس رسائل، ج ۲: ۱۷۶.

<sup>۲</sup> - صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸ ج ۱: ۳۲۹.

<sup>۳</sup> - همان، ج ۲: ۳۹۹.

GH.Emadzadeh

زیرا به عقیده وی حقایق عینیّه وجود تنها دارای دو حالت می توانند باشند؛

۱- وجود حقیقی مستقل که جز وجود یکتایی حق متعال چیز دیگری نیست و وجود موجود فقط اوست.

۲- بقیه موجودات ماسوی ا... که جز تعلق و وابستگی به مبدأ از چیز دیگری حکایت نمی کنند و واقعیت آنها از اویی است و این «از» تمام حقیقت بنیادی آنها می باشد.<sup>۱</sup>

و همانطور که در مقدمه مقاله ذکر شد، دیدگاه صدرا درباره وجود رابط در بسیاری از مباحث و موضوعات فلسفی نقش آفرین و سرنوشت ساز است.

بعضی از شارحان معاصر برای رابط در قضایا و رابط در بحث علیت دو پرونده متمایز تشکیل می دهند و ارتباط این دو را مربوط به خلط احکام منطقی و فلسفی دانسته که یکی مربوط به مفاهیم بوده و دیگری مربوط به مصادیق می باشد.<sup>۲</sup> در این پا فشاری به تفکیک هم تا جایی پیش می روند که حتی بحث وجود رابط در قضایا را تخصصاً از بحث وجود رابط خارج می نمایند و می گویند کلام صدرا در فصل مربوط به اشتراک معنوی وجود ناظر بوجود رابط نیست.<sup>۳</sup>

ولی حکیم سبزواری نه تنها تعدد منظر و تکثر میدان در معرفت قائل نمی شود، بلکه در راستای کلام صدرا معتقد است موضوعات منطقی باید به داوری و قضاوت هستی شناسانه در فلسفه تن در دهند. وی در شرح کلام صدرا که می گوید:

«فان مصداق الاتصاف الاشياء بموضوعات علم المیزان لیس الا بنحو الوجود الذهنی»<sup>۴</sup>

«یمكن أن يقال بنانا علی ما یرد المصنف من أن المنطق من الحکمه أن الموضوعات المیزان نحو تحقق فی الخارج»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> - خایری یزدی ۱۳۵۹: ۱۴

<sup>۲</sup> - مصباح یزدی ۱۳۷۵: ۷۱

<sup>۳</sup> - مصباح یزدی ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۰۹

<sup>۴</sup> - سبزواری ۱۳۷۶: ۳۳۹

<sup>۵</sup> - سبزواری ۱۳۷۶: ۳۳۹

درست است که صدرا بحث وجود رابط را با وجود رابط در قضایا یا شروع می‌کند و از اختلاف اصطلاحات سخن به میان می‌آورد، ولی این اختلاف اصطلاحات را برای فهم مسأله مطرح می‌کند و برای حل مسأله از آن استفاده نمی‌نماید و هدفش از طرح این بحث در میان مباحث وجود، آن است که چهره هستی آن را آشکار نماید. بنابراین آنچه از کلمات حکیم سبزواری استنباط می‌شود این است که اختلاف و تمایز وجود رابط در قضایا را با وجود رابط در بحث علیت با ملاک تمایز مفهوم و مصداق وجود مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یکی از مبادی اصالت وجود در حکمت متعالیه آن است که مفهوم هستی نسبت به حقیقت عینی آن یک امر ذاتی بشمار نمی‌رود و سبزواری مفهوم وجود را زاید بر حقیقت وجود در ذهن می‌داند زیرا مفهوم هستی شایستگی نمایش حقیقت هستی را ندارد و نمیتواند آئینه تمام نمای هستی باشد، ولی حقیقت هستی آن قدر سعه و شمول دارد که بتواند مفهوم خود را زیر چتر خود قرار داده و بی نصیب از بعضی از احکام خود ننماید. سبزواری می‌گوید:

«کما أن وحدة هذا المفهوم يكشف عن وحدة المعنون فينبهما مطابقت اخرى  
فهنا البداهه و هناک النور و الظهور و هنا العموم و هناک السعه و الانبساط.»<sup>۱</sup>

وی رابط در قضایا را به عنوان یک حقیقت مفهومی در ساختار مفهومی وجود جستجو می‌نماید و ربط در علیت را به ساحت مصداقی وجود مرتبط می‌کند و لذا ربط در قضایا را به اضافه مقولی تطبیق و ربط در بحث علیت را با اضافه اشراقیه تبیین می‌نماید:

«و لذا اذ قلنا للوجود الفعلى أنه اضافه اردفناها بالاشراقیه تمیيزا عن الاضافات  
المفهومیه و المقولیه»<sup>۲</sup>

بنابراین بحث و بررسی وجود رابط در قضایا در مدار فلسفه، تسلیم پژوهش فلسفی می‌گردد.

<sup>۱</sup> - سبزواری، تعلیقه، شرح منظوم: ۳۹

<sup>۲</sup> - سبزواری، تعلیقه، شرح منظومه: ۵۸

## فهرست منابع:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، *وجود رابط و مستقل در فلسفه اسلامی*،  
موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۳.
- جوادی آملی، عبدا...، *رحیق مختوم*، اسراء، قم، ۱۳۸۶.
- حایری یزدی، مهدی، *کاوش های عقل نظری*، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه  
ایران تهران، ۱۳۸۴.
- حایری یزدی، مهدی، *هرم هستی*، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۹.
- سبزواری، هادی، *منظومه*، چاپ افست سنگی، تهران، ۱۳۷۶ هجری قمری.
- شیرازی، صدرالدین محمد، *الاسفار الاربعه*، مکتبه المصطفوی، ۱۳۷۸ قمری.
- شیرازی، صدرالدین محمد، *المشاعر*، مهدوی، اصفهان، بی تا.
- عبودیت، علی، *سلسله درس های استاد مصباح یزدی*، امیر کبیر، تهران،  
۱۳۷۴.
- مدرس طهرانی، علی حکیم، *مجموعه مصنفات*، ج ۲، موسسه اطلاعات، تهران،  
۱۳۷۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *تعلیقات نهایی الحکمه*، الزهراء، قم، ۱۳۷۶.